



راهکارهای فقهی پیشگیری از آسیب اجتماعی خودکشی

عدنان رحیم پور^۱
حسین رحیم زاده^۲

۱ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - ۰۹۱۶۹۳۷۵۶۱۹ - adrahimpour@yahoo.com
۲ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی و استاد دانشگاه آزاد واحد شادگان

چکیده

خودکشی، پدیده‌ای پیچیده‌تر از مرگ است این آسیب اجتماعی مهم در حال گسترش بین مردم و به‌ویژه نسل جوان است. اختلافات خانوادگی و زناشویی، افسردگی، فقر و بدهکاری مالی و ناکامی و شکست در زندگی از مهم‌ترین عوامل خودکشی محسوب می‌شود. در فقه اسلامی خودکشی از گناهان کبیره است و باعث می‌شود که آدمی برای همیشه در جهنم حبس گردد. در فقه اسلامی با ارائه راهکارهایی از جمله کیفر سخت و جاودان و بی‌اعتبار بودن وصیت در جهت جلوی گیری از این آسیب اجتماعی قرار داده است؛ بنابراین باید حکم فقهی خودکشی را میان مردم به‌ویژه نسل جوان همواره بازگو گردد و به آنان تفهیم شود که خودکشی یکی از گناهان کبیره‌ای است که سقوط همیشگی در جهنم را باعث می‌شود. همچنین باید ارزش انسان را برای نسل جوان تبیین گردد تا دانسته شود که انسان مصنوع خدای حکیم است، نه مملوک خویش؛ بنابراین آدمی مالک خود نیست که بتواند هرگونه که می‌خواهد نسبت بدان رفتار کند. سرانجام باید تلاش شود تا روحیه توکل، امید، صبر و ایمان مردم به خدا را در جامعه تقویت گردد.

واژه‌های کلیدی: خودکشی، راهکارهای فقهی، بررسی آسیب اجتماعی، پیشگیری

۱- مقدمه:

حفظ حیات خود و هر نفس محترمی واجب و زیان رساندن به آن حرام است. در قرآن کریم از خودکشی (نساء/۲۹) و قتل هر نفس محترمی، (اسراء/۳۳ و نساء/۹۳) بلکه در معرض هلاکت قرار دادن آن، نهی و نکوهش (بقره/۱۹۵) و فلسفه تشریح حکم قصاص، بقاء حیات انسان‌ها ذکر شده است. (بقره/۱۷۹) خودکشی، پدیده‌ای پیچیده‌تر از مرگ است. وقتی به مرگ نگاه می‌کنیم، اگرچه راز و معمایی در آن نهفته اما اگر این پدیده طبیعی باشد، گویی به آن عادت داریم و پذیرفته‌ایم که در فرآیند زندگی عنصر اسرارآمیزی به نام مرگ هم وجود دارد و چون دائماً تکرار می‌شود، حساسیت ما به آن کم شده است. هنگامی این راز دوباره مطرح می‌شود که مرگ به واسطه خودکشی جلوه کند و زمانی اسرارآمیزتر و رازآلودتر که کودک یا نوجوانی اقدام به خودکشی می‌کند. چگونه می‌توان تصور کرد کودک و یا نوجوانی تصمیم به انحلال «خودی» می‌گیرد که در جهان این‌گونه برای نگراندان آن تلاش می‌شود. شاید در بررسی موضوع خودکشی هیچ یافته‌ای غم‌انگیزتر و تأمل‌برانگیزتر از گروه کودکان و نوجوانانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند وجود نداشته باشد! خودکشی در لغت‌نامه‌ی دهخدا به معنای خود را به‌وسیله‌ای کشتن، انتحار، کار زیاد کردن، کوشش بسیار آمده است. (علی‌اکبر دهخدا، ۱۳۸۰، ص ۸۴۷) امیل دورکیم در اثر معروف خود

^۱ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - ۰۹۱۶۹۳۷۵۶۱۹ - adrahimpour@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی و استاد دانشگاه آزاد واحد شادگان

به نام «خودکشی» آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار آورده و چنین تعریف می‌کند: «خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است که می‌بایست چنان نتیجه‌ای به بار آورد». (امیل دورکیم، ۱۳۷۸، ص ۶) دورکیم خودکشی را پدیده اجتماعی می‌داند که اعمال فردی، قادر به توجیه و توضیح آن نیست و به همین سبب خودکشی را حاصل جمع عوامل گوناگون (خانوادگی، اجتماعی، دینی و همه واقعیت‌های اجتماعی) و ناشی از در هم ریختن قوالب و ازهم‌پاشیدگی نظام اجتماعی و گسستگی نهاد خانواده و تنهایی و مطرود بودن فرد می‌داند. (منوچهر محسنی تبریزی، ۱۳۶۶، ص ۱۲۸) هم‌چنین می‌توان به تعریف دشه اشاره کرد که می‌گوید: «اقدامی معمولاً از روی آگاهی برای سر به نیست کردن خود به آن ترتیب که مرگ هدف یا وسیله باشد». (فریبرز رئیس دانا، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲) آشیل دلماس نیز خودکشی را عبارت می‌داند از: «عملی که به‌وسیله‌ی شخص برای معدوم ساختن خود انجام می‌دهد، درحالی‌که اختیار مرگ و زندگی در حیثه قدرت او نیست و از لحاظ اخلاقی موظف به انجام این عمل نمی‌باشد». (علی اسلامی نسب، ۱۳۷۱، صص ۷۳-۷۴)

۲- آمار خودکشی در جهان و ایران:

طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، میزان خودکشی در جهان، یک‌میلیون نفر در سال و تعداد افراد اقدام کننده به خودکشی، ده تا بیست برابر آن است. یعنی ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر در سال اقدام به خودکشی می‌کنند. (منوچهر محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۲۱) خودکشی، رتبه سیزدهم علل مرگ در جهان را به خود اختصاص داده، در واقع، ۱۶ نفر در هر صد هزار را شامل می‌شود. اقدام به خودکشی در ۴۵ سال گذشته، ۶۰ درصد افزایش داشته است. برای مردان و زنان سنین ۱۵ تا ۴۴ سال، خودکشی، سومین عامل مرگ به حساب می‌آید. (همان، ص ۲۲) طبق گزارش‌ها، استیصال، درماندگی، عوامل و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، عوامل غالب خودکشی هستند؛ بنابراین، اگر مؤلفه‌های روان‌شناختی و وضعیت روحی فرد در اقدام به خودکشی را کم کنیم، عوامل فوق اغلب باعث خودکشی می‌شوند. به این معنا که عده‌ای زندگی کردن را دوست دارند، اما شرایط زندگی، آن‌ها را به خودکشی وادار می‌کند.

در ایران، نرخ خودکشی از کشورهای غربی پایین‌تر است؛ حدود ۵۰۰ مورد اقدام به خودکشی موفق در سال، که البته به‌شدت در حال افزایش است. بر اساس آخرین آمار منتشرشده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به‌طور متوسط روزانه ۱۳ مورد اقدام به خودکشی در کشور با میانگین سنی ۲۹ سال اتفاق می‌افتد. طبق این آمار، خودکشی موفق مردان به زنان، ۲/۵ به یک و گاهی ۴/۵ به یک است. (سید رضا حسینی، ۱۳۸۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۱) اگرچه نرخ خودکشی در ایران نسبت به بسیاری از کشورها پایین‌تر است، اما مقایسه این آمار با آمار ثبت‌شده در سال‌های گذشته در ایران، رشد قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. به‌گونه‌ای که میزان اقدام به خودکشی از ۱/۳ در هر صد هزار نفر در سال ۱۳۶۳، به ۶ در هر صد هزار نفر در سال ۱۳۸۳ رسیده، یعنی طی ۲۰ سال، حدود ۶ برابر شده است. میزان اقدام به خودکشی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، به ترتیب، ۵/۸، ۵/۶۵ و ۵/۶ در هر صد هزار نفر بوده است. آمار خودکشی در بعضی استان‌های کشور، بسیار بحرانی است. در غرب، طی ۴۵ سال گذشته، بر آمار خودکشی اضافه‌شده که در تحلیل‌ها، آن را ناشی از مدرنیته می‌دانند. در ایران نیز چنان‌چه گفته شد، طی سال‌های اخیر، تقریباً میزان آن ۶ برابر شده، که این را هم می‌شود بر اساس مدرنیته، زندگی مدرن و آسیب‌های ناشی از آن تحلیل کرد.

در مورد نوجوانان، مطالعات نشان داده که ۲۸۳ دانش‌آموز در سال ۱۳۸۱، در شهر تهران اقدام به خودکشی کرده‌اند که علت آن چندان مشخص نبوده است. سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۲، علت خودکشی نوجوانان و جوانان را اختلال‌های خانوادگی ذکر کرده است. طبق تمام متون و رویکردها، خانواده یکی از عواملی است که می‌تواند مانع خودکشی شود. اینجا پارادوکسی است که در ایران مشاهده می‌شود. در ایران، نه فقط در مورد نوجوانان و جوانان، بلکه در مورد استان‌های محرومی که نام بردیم، خانواده، یکی از علل خودکشی است. طبق آماری که نیروی انتظامی منتشر کرده است، در سال ۱۳۸۳، ۸/۹ موارد، یعنی ۳۳۵ نفر از کل تعداد خودکشی‌ها به کودکان زیر ۱۷ سال تعلق داشته که در این میان، ۴۷ درصد دختران و ۵۳ درصد پسران بوده‌اند. (سید رضا حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲) سن پرخطر خودکشی در ایران، ۱۵ تا ۲۵ سال است، ولی این سن در کشورهای دیگر، برای مردان ۴۵ سال و برای زنان، ۵۵ سال به بالا است. یعنی علاوه بر مدرنیته و تناقض‌ها و تشتت‌هایی که گفتیم، بازمی‌بینیم خودکشی نوجوانان و جوانان در ایران بیشتر است؛ قشری که باید امکانات و امید به زندگی بیشتری در اختیارشان باشد. ولی چرا این‌گونه است؟ درباره موارد اقدام به خودکشی در کودکان بستری در بیمارستان لقمان حکیم، از میان ۱۷۶ کودک ۸ تا ۱۳ سال که طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳، به علت مسمومیت در این بیمارستان بستری بوده‌اند، علت ۱۱۱ مورد آن (۵۹ نفر پسر و بقیه دختر) خودکشی بوده است. یعنی کودک ۸ تا ۱۳ ساله چگونه تصمیم به خودکشی می‌گیرد؟ بیشترین موارد خودکشی نوجوانان در سنین ۱۲ تا ۱۳ سال بوده و بیشتر موارد نیز از مناطق جنوب و اطراف تهران بوده‌اند. این وضعیت نیز نشان می‌دهد که فقر، حاشیه‌نشینی و توسعه‌نیافتگی، عوامل اصلی مؤثر بر خودکشی در ایران است. (محمدعلی محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۹) تحقیقی در لرستان نشان می‌دهد که روش خودکشی به وسیله خوردن گچ در کودکان این استان شایع است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، ۴۵ درصد موارد اقدام به خودکشی با گچ در گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال و اکثر این موارد نیز دانش‌آموز بوده‌اند. بنابراین، فرد خودکشی کرده دانش‌آموزی است که علی‌القاعده نباید دست به چنین کاری بزند، ولی معکوس بودن قضا را در اینجا نیز می‌شود ملاحظه کرد. (محمدعلی محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۱)

۳- تحقیقات انجام گرفته در خصوص علل خودکشی در شهرهای ایران:

بر اساس تحقیقات انجام شده در این زمینه و گزارش آن در همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، عللی به شرح زیر بیان شد:

- ۱- تحقیقی در استان آذربایجان شرقی انجام گرفته که نشان می‌دهد انگیزه ۴۵/۳ درصد کسانی که اقدام به خودکشی می‌کنند، «اختلافات خانوادگی با همسر و دیگران» بوده است. سهم خودکشی بانگیزه وجود بیماری‌های روانی و جسمانی با ۲۰/۷ درصد، بالاترین علت خودکشی ذکر شده و بعد از آن فقر و بدهکاری مالی و ناکامی و شکست در زندگی از مهم‌ترین عوامل خودکشی محسوب می‌شود. از لحاظ جنسیتی، اقدام به خودکشی در مردان، ۸ برابر زنان است. «چندهمسری» نیز از دیگر عوامل خودکشی زنان، به ویژه در روستاییان است. (نعمت الله تقوی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

- ۲- دکتر احمد محمد پور: ریشه پدیده خودکشی در عوامل روانی، اقتصادی، دینی، سیاسی، تغییرات اجتماعی و نهاد خانواده است. (احمد محمد پور، ۱۳۸۳، ص ۱)

- ۳- منوچهر شمس خرم‌آبادی از دانشگاه علوم پزشکی در تحقیقی که انجام داده بود، حوادث بحرانی در زندگی، مشکلات خانوادگی، افسردگی، ازدواج تحمیلی، اختلافات زناشویی، مشاجرات خانوادگی را از علل خودکشی می‌داند. ایشان در ادامه تحقیق خود می‌آورد: نتایج حاکی است: در میان علل اقدام به خودکشی (خودسوزی) مشاجره و اختلافات خانوادگی درصد

بالایی را به خود اختصاص داده است از جمله عوامل دیگری می‌توان به طردشدگی، مشکلات جسمی و عاطفی، اشاره کرد. می‌توان گفت اختلافات خانوادگی با وضعیت تأهل می‌تواند بر شیوع خودسوزی مؤثر باشد یعنی در میان افراد متأهل میزان بروز اختلافات نیز به همان نسبت بیشتر بوده بنابراین احتمال بروز خودسوزی نیز افزایش می‌یابد. عوامل دیگر از قبیل بیکاری، ضرب و شتم، اختلافات زناشویی، عدم مشارکت زنان، اختلاف با مادر و اقوام همسر در بروز خودسوزی مؤثر بوده‌اند. همچنین، یافته‌های آماری نشان می‌دهد که اعتیاد به‌عنوان علت اصلی خودسوزی در ارتباط با مشکلات فردی، تحت تکفل دیگران بودن به‌عنوان مهم‌ترین عامل و اصلی‌ترین علت اقتصادی - اجتماعی، مورد تحقیر و تمسخر قرار گرفتن، ناامیدی و بی‌ارزشی، ضرب و شتم در بروز خودسوزی بسیار مؤثر بوده است. (منوچهر شمس خرم آبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۶)

۴ - سهیلا قربانی از آموزش و پرورش کرمانشاه طی تحقیقی اعلام کرد که عمده‌ترین انگیزه خودکشی، اختلافات خانوادگی است و خودکشی با سم، بیش‌ترین فراوانی را داشته است. (سهیلا قربانی، ۱۳۸۳، ص ۵۶)

طبق تحقیقات صورت گرفته، یکی از مهم‌ترین عواملی که فرد را به سمت خودکشی می‌کشاند، اختلافات و مسائل و مشکلات خانوادگی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر هرچه در خانواده‌ای مسائل و مشکلات بیشتری وجود داشته باشد افراد آن خانواده و به‌ویژه کودکان و نوجوانان و در مرحله‌ی بعد زنان، در معرض مستقیم دست یازیدن به سمت خودکشی می‌باشند. پس هرچه افراد دارای خانواده‌های باثبات‌تر و آرام‌تر و با پایه‌های قوی‌تری باشند، سوق گرفتن آن‌ها به سمت آسیب‌های اجتماعی و به‌ویژه خودکشی بسیار کمتر خواهد بود.

در ادامه به بحث و بررسی پیرامون خودکشی از منظر فقه اسلامی پرداخته و از این دریای بیکران به ارائه راهکارهایی در جهت پیشگیری از این آسیب اجتماعی مهم می‌پردازیم.

۴- خودکشی از دیدگاه فقه اسلامی:

از دیدگاه فقه اسلامی، خودکشی یک بزهکاری و یک جرم سنگین و اجتناب‌ناپذیر است که حتی اجبار و اکراه این و آن به‌عنوان یک «عذر» پذیرفته نیست. (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۴۳، ص ۱۲۹) در فقه اسلامی که انسان را مملوک خالق متعال به شمار می‌آورد، کسی حق ندارد، این ودیعه‌ی گران‌بهای الهی را نابود سازد. در فقه اسلامی خودکشی از گناهان کبیره است و باعث می‌شود که آدمی برای همیشه در جهنم حبس گردد (همان، ج ۳۴، ص ۱۴؛ (زین الدین عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۹۰)؛ بنابراین خودکشی هرگز یک‌راه حل و راه برون‌رفت از مشکلات و دشواری‌های زندگی نیست و به‌غلط بعضی از کج فهمان غرب‌زده و شرق‌زده و افراد بیگانه از ایمان به خدا، به سراغ آن می‌روند. در فقه اسلامی که مسائل روزمره موردنیاز انسان‌ها را از منظر، کتاب (قرآن) و سنت و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) و نیز اجماع اهل نظر (متخصصان اسلام‌شناس) و عقل سلیم بشر، موردتوجه خویش دارد، در مباحث متعددی مسأله‌ی خودکشی را موردبررسی قرار داده است. از دیدگاه فقه اسلامی باید گفت که:

الف) خودکشی بزرگ‌ترین دام ابلیس است. ابلیس از هر دری که بتواند آدمیان را از پا درمی‌آورد که یکی از آن‌ها وادار کردن آنان به عمل خودکشی است.

ب) خودکشی، نوعی تجاوز به حریم مالکیت خداست؛ زیرا انسان، از آن خداست و وجود او نباید از پا درآید، جز در مواردی که خود پروردگار حکیم آن را بخواهد که مسأله‌ی جهاد و شهادت از این قبیل است.

ج) خودکشی عملی است، آگاهانه که به منظور از پا درآوردن خود انجام می‌پذیرد.
د) خودکشی در فقه اسلامی یک بزهکاری نابخشودنی و یک جرم بسیار سنگین محسوب می‌گردد و یکی از گناهان کبیره‌ای است که کیفر سختی را در بردارد و کسی که دست به خودکشی می‌زند، بر اثر این گناه کبیره در جهنم «مخلد» خواهد بود.

۵- دلایل تحریم خودکشی:

۵-۱- تحریم خودکشی از منظر قرآن:

خودکشی در قرآن کریم که یکی از منابع اساسی فقه اسلامی می‌باشد، مورد تحریم اکید قرار دارد. در قرآن به گونه‌ای روشن، مسأله ی خودکشی به چشم می‌خورد. در سوره مبارکه‌ی نساء آیات ۲۹ و ۳۰ آمده است: «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ غَدَوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»؛ دست به خودکشی نزید که خدا نسبت به شما مهربان است (مشکلات زندگی شما را حل خواهد نمود) و هر کس از روی تجاوز و ستم چنان کند (و دست به مال و جان مردم دراز کرده، یا خودکشی و خونریزی کند) به زودی او را در آتشی (عظیم) وارد سازیم و این کار، بر خداوند آسان است. قابل ذکر است که: امام صادق (علیه السلام) با تمسک به آیه فوق فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا»؛ (محمد بن علی بن بابویه قمی صدوق، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۸) کسی که خود را عمدتاً بکشد (دست به خودکشی بزند)، جای او برای همیشه در میان جهنم خواهد بود. مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه در تفسیر شریف المیزان در تفسیر این آیه می‌فرماید: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...»؛ ظاهر این جمله نهی از این است که کسی خود را بکشد و لیکن وقتی در نظر بگیریم که پهلوی جمله: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ» قرار گرفته که ظاهر آن این است که همه مؤمنین را یک واحد فرض کرده که آن واحد دارای مالی است، که باید آن را از غیر طریق باطل بخورد، ای بسا که اشاره به این معنا از آن استفاده شود و حتی دلالت کند بر اینکه مراد از کلمه (أنفس) تمامی افراد جامعه دینی باشد و مانند جمله قبل همه مؤمنین را فرد واحدی فرض کرده باشد، به طوری که جان هر فردی جان سایر افراد است، در نتیجه در مثل چنین مجتمعی نفس و جان یک فرد هم جان خود او است و هم جان سایر افراد، پس چه خودش را بکشد و چه غیر را، خودش را کشته و به این عنایت جمله: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»، جمله‌ای است مطلق هم شامل انتحار می‌شود- که به معنای خودکشی است و هم شامل قتل نفس و کشتن غیر. (سید محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۰۶)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «در پایان آیه، مردم را از قتل نفس بازمی‌دارد و ظاهر آن به قرینه آخرین جمله آیه نهی از خودکشی و انتحار است، می‌فرماید: و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است» یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی‌شود دیگری شما را به قتل برساند بلکه به خود شما هم اجازه نمی‌دهد که با رضایت خود خویشتن را به دست نابودی بسپارید، در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آیه فوق به همین معنی «انتحار» تفسیر شده است: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»، در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم اشاره به یک نکته مهم اجتماعی کرده است و آن این که اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است». (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۶)

همچنین در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ (اسراء، ۳۳) نباید نفسی را که خدا کشتن آن را حرام کرده است، بکشید. این «نهی» تحریمی است که شامل «خودکشی» و نیز «دیگر کشی» (کشتن دیگران) می‌شود؛ و صراحت تام در باب تحریم خودکشی دارد. بدیهی است که مخالفت با آن، یعنی زیر پا نهادن این حکم، عقوبت و مجازات سختی را به دنبال خواهد داشت که دخول در جهنم و ابدیت کیفر آن از جمله آن‌هاست. استاد قرائتی در تفسیر این آیه، آن را دال بر حرمت خودکشی می‌داند: (...۳- خودکشی حرام است. «لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ»). (محسن قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۵۵)

فقه‌های اسلام اغلب به این‌گونه آیات در باب حکم به تحریم خودکشی استناد جسته‌اند. صاحب جواهر (ره) در خصوص این آیه و آیات مشابه در باب قصاص نفس می‌نویسد: «و علی کل حال فالقتل للمؤمن ظلماً من أعظم الكبائر»، پس به‌طور کلی قتل و کشتن دیگران و یا (خودکشی) ظلم است و در شمار گناهان کبیره می‌باشد؛ و دلیل آن را هم در سخن خداوند می‌داند که: لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَمَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/۹۳)؛ و هر کس به‌عمد مؤمنی را بکشد پس کیفرش دوزخ است که همیشه در آن خواهد بود و خداوند بر او غضب و لعنت کرده و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است». (محمدحسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۸) صاحب تفسیر نور در خصوص این آیه به نکته‌ی مهمی اشاره می‌کند: «در نظام اسلامی، هیچ مقامی حق قتل و اعدام بی‌جهت دیگران را ندارد. «مَنْ يَفْتُلْ»، «مُتَعَمِّدًا». (محسن قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۵۶) پس به‌طریق‌اولی خود فرد هم این اجازه را ندارد تا بدون اجازه از کسی که این جان را به او داده است، نسبت به انتحار و از بین بردن آن اقدام کند.

۵-۲- تحریم خودکشی از دیدگاه سنت و احادیث معصومین (علیهم‌السلام):

خودکشی در فقه اسلامی از منظر سنت و احادیث اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که از منابع اساسی فقه می‌باشد، عملی ناستوده و از ناهنجاری‌های خطرناک در زندگی آدمیان محسوب می‌شود. خودکشی به هر شکلی که صورت پذیرد، ممنوع است. این عمل خود از گناهان کبیره است. مرحوم صاحب جواهر در کتاب شریف جواهرالکلام حدود چهل مورد از گناهان کبیره را شمارش کرده و می‌نویسد: «... قتل النفس التي حرم الله» ایشان از خودکشی به‌عنوان هلاکت یاد می‌کند و می‌نویسد: «والنهي عن قتل النفس واللقاء الى التهلكه» (محمدحسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۸) مرحوم شیخ اعظم انصاری در کتاب «المکاسب المحرمه» حدیثی نبوی را از کلینی نقل می‌کند که در آن آمده است: «ففي النبوي المروي في الكافي، عن أبي عبد الله عليه السلام: من أكل الطين فمات فقد أعت علي نفسه»؛ (محمد ابن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۶۶) کسی که به‌منظور خودکشی خاک و گل زمین را بخورد و بمیرد، او به خودکشی پرداخته است. (مرتضی انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۵) شیخ انصاری همچنین در کتاب مکاسب محرمه حدیثی علوی را مطرح می‌کند که در آن آمده است: «و في العلوي الوارد في الطين المروي أيضاً في الكافي عن أبي عبد الله عليه السلام: فإن أكلته و مت فقد أعت علي نفسك»؛ (محمد ابن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۶۶) اگر طین (خاک و گل) را عمداً خوردی و از دنیا رفتی، به خودکشی دست‌زده‌ای. (مرتضی انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۵) احادیث فوق با توجه به اطلاق آن‌ها شامل مواردی هستند که حتی، اگر کسی بدون قصد خودکشی چیزی غیر خوردنی مثلاً: تین (گل) بخورد و به مرگ او منجر گردد، خودکشی محسوب می‌شود. البته حساب اشتباه انسان و اضطرار، از حساب عادی جدا است. مرحوم شیخ صدوق در ثواب الاعمال، بابی تحت عنوان «عقاب من قتل نفسه متعمداً» دارد و نیز در کتب فقهی بابی تحت نام «نهی از قتل نفس» (خودکشی) به چشم می‌خورد و در آن باب احادیثی وجود دارد که مورد استناد فقهاء عظام و سایر اهل نظر

است؛ که در ادامه به برخی از این احادیث می‌پردازیم. در کلامی از امام صادق (علیه السلام) راجع به خودکشی و عقوبت سنگین آن آمده است: «من قتل نفسه متعمداً فهو في نار جهنم خالداً فيها»؛ (محمد بن علی بن بابویه قمی صدوق، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۸) هر کس خودکشی کند از روی عمد، وی برای همیشه در آتش دوزخ معاقب خواهد بود. در حدیثی از امام هفتم آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُبْتَلَى بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ يَمُوتُ بِكُلِّ مِيتَةٍ - إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ»؛ (محمد بن حسن حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۲۴) انسان با ایمان، ممکن است به هر نوع بلاهایی مبتلا گردد و هرگونه مرگی برایش پیش آید، ولی هرگز مبتلا به گناه کبیره (خودکشی) نمی‌شود. رسول خدا (ص) بر جنازه کسی که دست به خودکشی زده بود، نماز نخواند، عمل فوق به نوبه خود موقعیت منفور چنین عملی را اثبات می‌کند.

از دقت در موارد فوق به دست می‌آید که:

الف) حکم تحریم برای عمل خودکشی مورد اتفاق میان فقهای اسلام است.

ب) کسی در باب حکم تحریم خودکشی تردیدی نکرده و حکم دیگری ابراز ننموده است.

۳-۵- خودکشی از دیدگاه اجماع فقهای اسلام:

تردیدی نیست که مسأله تحریم خودکشی خود یکی از مسائل مورد اتفاق فقها و علمای اسلام است و اجماع فقها در این باره مورد توجه می‌باشد. محمدحسن نجفی فقیه نامدار در کتاب جواهرالکلام در باب خوردن سم‌هایی که مرگ آدمی را در پی دارد و تحریم خوردن این‌گونه سم‌ها یادآور می‌شود: «... السمومات القاتله قلیلها و کثیرها بلا خلاف و لا اشکال بل الاجماع بقسمیه علیه للنهی عن قتل النفس»؛ خوردن سم‌های کشنده حرام است و تردیدی در آن نیست و اجماع فقها بر آن است، زیرا این‌گونه سم‌ها خودکشی را در پی دارد. (محمدحسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۷۰)

۴-۵- خودکشی از دیدگاه عقل سلیم بشر:

کسی که از عقل و خرد سالم برخوردار است، خودکشی را تجویز نمی‌کند و در این باره باید گفت که اجماع خردمندان جهان گویای ناپسند بودن عمل خودکشی است و نیز مورد تحریم بودن آن است. خودکشی به معنای پایان بخشیدن به زندگی است که برخی از عوامل از جمله؛ ضعیف بودن ایمان به خدا، احساس خلاء و پوچی در زندگی، اضطراب، ناامیدی، احساس تنهایی و افسردگی می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد. خودکشی یک عمل رایج میان افرادی است که در جهان دچار برخی از عوامل فوق باشند و متأسفانه عمل خودکشی در دنیا بیداد می‌کند و اشاره کردیم که حرمت آن یک مسأله مورد اجماع همه عقلا است.

۶- مصادیق خودکشی:

در فقه اسلامی خودکشی مصادیق مختلفی دارد که معروف‌ترین آن عبارت‌اند از:

۱-۶- قتل نفس (خود را از پا درآوردن):

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا»؛ (محمد بن علی بن بابویه قمی صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۱) هر کس از روی عمد خودکشی کند، وی برای همیشه در آتش دوزخ معاقب خواهد بود. کسی که خود را به هر وسیله و هر طریقی از پا درآورد، با همان وسیله و با همان شیوه در میان جهنم مورد شکنجه قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه آن است که خود را از پا درآوردن و با دست خود کمر به قتل خود بستن، گاهی خود را به اشکال مختلف کشتن

است و گاهی خوردن چیزی که منجر به مرگ او گردد، البته در صورتی که این خوردن از روی علم و عمد و با اختیار و اراده و آزادی و آگاهی کامل به منظور خودکشی انجام پذیرد. امام صادق (ع) فرمود: در کلامی از امیر مؤمنان آمده است: «مَنْ أَهْمَكَ فِي أَكْلِ الطَّيْنِ فَقَدْ شَرِكَ فِي دَمِ نَفْسِهِ»؛ کسی که به خوردن خاک اقدام کند، شریک در خودکشی خود است. (محمد بن حسن حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۴، ص ۲۲۴) هم‌چنین آن حضرت فرمود: به امیر مؤمنان گفته شد، مردی به خوردن خاک می‌پردازد، تو از او بخواه که از این کار دست بکشد، آن حضرت به آن مرد فرمود: «لَا تَأْكُلُهُ فَإِنَّ أَكْلَتَهُ وَ مِتَّ كُنْتَ قَدْ أَعْنَتَ عَلَي نَفْسِكَ»؛ (همان، ص ۲۲۱) خاک نخور، زیرا اگر آن را بخوری و بمیری در قتل خود (خودکشی) شریک می‌باشی. هم‌چنین امام صادق (ع) در کلامی دیگر از رسول خدا نقل نمود که آن حضرت فرمود «مَنْ أَكَلَ الطَّيْنَ فَمَاتَ فَقَدْ أَعَانَ عَلَي نَفْسِهِ»؛ (همان، ص ۲۲۲) کسی که خاک بخورد و بمیرد، در خودکشی خود کمک نموده است. امام هشتم (ع) هنگامی که متوجه شد، بعضی از کنیزان منزلش خاک می‌خورند، با عصبانیت فرمود: «أَكَلَ الطَّيْنَ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ فَأَنْهَيْهُمْ عَنْ ذَلِكَ»؛ (همان، ص ۲۲۴) خوردن خاک حرام است، مثل خوردن مردار، خون و گوشت خوک، پس از خوردن آن‌ها خودداری کن. البته در احادیث ما جواز خوردن به‌قدر یک «دانه نخود» جهت استشفای از خاک قبر امام حسین (ع) مطرح می‌باشد و همین مقدار را نیز بدون نیت شفا طلبی مجاز نیست، لذا امام صادق (ع) فرمود «مَنْ أَكَلَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ غَيْرِ مُسْتَشْفٍ بِهِ فَكَأَنَّمَا أَكَلَ مِنْ لُحْمِنا» (همان، ص ۲۲۹) دقت در رهنمودهای الهی فوق نشان می‌دهد که خوردن خاک، همکاری در خودکشی می‌باشد و خوردن خاک در واقع یکی از مصادیق است؛ بنابراین خوردن هر چیزی که موجب از پا درآمدن آدمی شود، خوردن آن حرام است و خوردن عمدی آن اقدام به خودکشی است.

۶-۲- قتل دیگران:

کشتن دیگران نوعی خودکشی است، زیرا اولاً انسان‌ها از یک نفس واحدند؛ لذا آیه‌ی «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء/۲۹) یکدیگر را نکشید» قتل دیگران را شامل می‌شود که این دگر کشی، در واقع نوعی خودکشی است. علامه حلی در تذکره الفقهاء می‌نویسد: «آنه اذا قتل غيره فكأنما قتل نفسه لأنه يقتص منه»؛ (حسن بن یوسف حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۵۸) کسی که شخص دیگری را به قتل برساند، گویا خود را کشته است، زیرا مورد قصاص واقع می‌شود.

۶-۳- انجام معاصی:

در فقه اسلامی خودکشی از گناهان کبیره است و باعث می‌شود که آدمی برای همیشه در جهنم حبس گردد؛ زیرا شخص گناهکار از راه گناه، خود را به هلاکت می‌افکند. علامه طبرسی ذیل آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء/۲۹) یادآور می‌شود «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ بَأَنْ لَا تَهْلِكُوها بارتكاب الأثم» آیه‌ای که می‌گوید: خود را نکشید (به قتل نرسانید)، یعنی خود را از طریق انجام معاصی به هلاکت نرسانید. (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۰)

۶-۴- قتال غیرمجاز (درگیری با دیگران):

درگیری غیرمجاز با دیگران یکی از مصادیق خودکشی است، طبرسی در مجمع‌البیان یادآور می‌شود که امام صادق (ع) فرمود: «لَا تَخَاطَرُوا بِنَفْسِكُمْ فِي الْقِتَالِ»؛ از راه قتال غیر الهی خود را به قتل نرسانید (خودکشی نکنید). (همان، ص ۶۰)

۶-۵- خودزنی:

کسی که عضوی از اعضای بدن خود را قطع کند، از راه جراحی که بر بدن خود وارد می‌کند، زمینه مرگ و قتل خود را فراهم می‌آورد، خون خود را هدر داده است و عمل او خودکشی محسوب می‌شود. شیخ طوسی در المبسوط می‌نویسد: «إِذَا جَنَى الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ مِثْلَ أَنْ يَقْتَعَ يَدَ نَفْسِهِ أَوْ يَقْتَلَ نَفْسَهُ فَإِنَّ كَانَتِ الْجَنَائِيَّةَ عَمْدًا مُحَضًّا كَانَتْ هَدْرًا»؛ (محمد بن حسن طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۷۸) هرگاه فرد جنایتی را علیه نفسش انجام داد به این صورت که عنان نفسش را رها کرد (چراکه رها کردن عنان نفس انسان را به هلاکت می‌کشاند) و یا خودش را به صورت عمد به قتل رساند خونش هدر است؛ و نیز شیخ مفید در المقنعه می‌آورد: «لو احدث في نفسه حدث القتل من جراح او شرب سمّ و نحو ذلك كانت وصيته مردودة»؛ (محمد بن محمد مفید بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۶۷۲) در نزد اکثر علمای امامیه، کسی که عملی با خود انجام دهد که موجب به خطر افتادن جاننش شود و یا سمّی را بنوشد و مثل این موارد که باعث مرگش شود، وصیت او مردود است.

۷- راهکارهای فقهی در جهت پیشگیری از خودکشی:

علاوه بر مواردی که در تحریم خودکشی از دیدگاه قرآن، سنت، اجماع و عقل بشری بیان شد، در ادامه به مواردی دیگر از راهکارهایی که می‌تواند قبح این عمل را به‌خوبی روشن کرده و فرد را از ارتکاب به این عمل بازدارد بیان می‌شود:

۷-۱- کیفر سخت و جاودان:

خداوند تعالی در قرآن کریم به کسانی که خودکشی می‌کنند، وعده عذاب سخت می‌دهد و می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا... وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ غَدُوًّا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (نساء/۲۹ و ۳۰) خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است... و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به‌زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است.

پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «من قتل نفسه بحدیة فحدیدته فی یدیه یجأ بها بطنه یهوی فی نار جهنم خالدا فیها أبدا» «و من تردی من جبل متعمدا فقتل نفسه فهو مترد فی نار جهنم خالدا مخلدا أبدا»؛ (جواد بن سعد فاضل کاظمی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶) کسی که خود را با ابزار آهنی بکشد (به قتل برساند) پس با همان ابزار که در دست اوست، در فردای قیامت حضور می‌یابد و خود را ضربه می‌زند آتش جهنم سرازیر شده و در آن برای همیشه سکونت خواهد داشت و به معنای دیگر، کسی خود را با ابزاری (مثلاً آهن) ضربت زد و خودکشی نمود، هنوز آن ابزار در دست اوست و به‌سوی جهنم سرازیر می‌گردد و کسی که خود را از بالای کوه و بلندی به زیر می‌افکند و خودکشی می‌کند، او از همان هنگام که به‌قصد خودکشی، به پایین پرت شد، به‌سوی آتش جهنم سرازیر شده و برای همیشه در آن جای خواهد داشت. کسی که دست به خودکشی یا دست به دگر کشی بزند، هزاران بار در قیامت سختی‌های قتل در دنیا که در حق مقتول صورت گرفته بود، برای او محقق خواهد شد و قاتل بسی بیشتر از نفس مقتول احساس سختی خواهد کرد. شیخ صدوق در ثواب الاعمال حدیثی را از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمود: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ يَا مُوسَى قُلْ لِلْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي أَكْتُمُ وَ قَتَلَ النَّفْسِ الْخَرَامِ بِغَيْرِ حَقٍّ فَإِنَّ مَنْ قَتَلَ مِنْكُمْ نَفْسًا فِي الدُّنْيَا قَتَلْتَهُ فِي النَّارِ مِائَةَ أَلْفِ قَتْلَةٍ مِثْلَ قَتْلِ صَاحِبِهِ»؛ (محمد بن علی بن بابویه قمی صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۷۸) خداوند متعال به موسی کلیم، وحی نمود که به جمعیت بنی‌اسرائیل بگو که از قتل نفس، بدون اذن پروردگار متعال بپرهیزند که اگر کسی دست به چنین عملی (ناجانمردانه‌ای) بزند، صد هزار بار او را در جهنم خواهیم کشت، مثل کسی که در

دنیا به قتل رسید. از دقت در این حدیث به دست می‌آید که تحریم خودکشی همچون تحریم قتل دیگران سابقه‌ای دیرینه در ادیان آسمانی دارد.

۷-۲- عدم معذوریت اکراه (اجبار):

که اگر کسی دیگری را تهدید کند و بگوید: «اگر خودت را نکشی من تو را می‌کشم»، آیا جایز است که فرد اقدام به خودکشی کند یا نه؟ اکراه (اجبار) در برخی از عرصه‌ها عذر، محسوب می‌گردد، ولی در باب خودکشی این چنین نیست و اگر کسی را اجبار کنند تا دست به خودکشی بزند، او در این مورد معذور نخواهد بود و عمل او خودکشی به حساب می‌آید. او نباید به خودکشی بپردازد و اجبار دیگران برایش مجوز نیست. گرچه این مسأله (عذر به حساب نیامدن) درباره قتل دیگران نیز، مورد اذعان فقه اسلامی است. بیشتر یا همه فقهاء بر عدم جواز قتل فتوا داده‌اند؛ چون اکراه نمی‌تواند مجوز قتل باشد ولی برخی مانند شهید ثانی تفصیل داده و گفته‌اند: اگر قتلی که اکراه کننده وعده داده، شدیدتر از قتلی باشد؛ که اکراه شونده می‌خواهد با آن خودکشی کند- مانند قتل همراه با شکنجه اکراه شونده می‌تواند روش آسان را برای قتل خود انتخاب کند تا از قتل سخت‌تر رهایی یابد؛ زیرا در این صورت اکراه صدق می‌کند، اما اگر کیفیت هر دو قتل یکسان باشد اکراه صدق نمی‌کند، بنابراین اقدام به خودکشی جایز نخواهد بود. (زین الدین عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۹۰)

ولی صاحب جواهر گفتار ایشان را نقد کرده و گفته است: «اگر چنین کاری جایز باشد، بنابراین کسی هم که می‌داند از تشنگی خواهد مرد می‌تواند خودش را با روشی آسان‌تر بکشد» (محمدحسن نجفی ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۵۴). از کلمات صاحب جواهر چنین بر می‌آید که جایز نبودن خودکشی در مثال تشنگی حکمی مسلم است. مرحوم علامه حلی در کتاب ارشاد الازدهان نیز یادآور می‌شود: «و لو أكره العاقل على قتل نفسه فلا ضمان عليه، إذ لا يتحقق هذا الإكراه» (حسن بن یوسف حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹۷) اگر فردی را اکراه کنند مبنی بر اینکه تو مجبوری و باید خودت را بکشی و او این کار را انجام دهد (اقدام به خودکشی کند) ضمانی بر اکراه کننده نیست، چراکه در این مورد اکراه محقق نمی‌شود.

۷-۳- همکاری ممنوع:

هرگونه همکاری در این باره (باکسی که دست به خودکشی می‌زند) جرم محسوب می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِ مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى» (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۸) هر کس گرچه به قدر یک کلام ناچیز، آدم خودکشی کننده یا قاتل دیگر را کمک کند، در قیامت به گونه‌ای حاضر می‌شود که میان دو چشم او نوشته شده است: از رحمت خدا مأیوس است». پیامبر اکرم (ص) خودکشی کننده را از طریق خودداری از خواندن نماز بر جسد او، هم‌ردیف منافقان قرار داد و البته نماز نخواندن رسول خدا (ص) بر بدن میت منافقان مخالفت آشکار با منافقان بود که در پاره‌ای از موارد باعث بیداری برخی از آنان گردید.

۷-۴- بی‌اعتبار بودن وصیت:

کسی که دست به خودکشی می‌زند، خون‌بها ندارد و وصیت او نیز مردود است. ابو ولاد از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ أَوْصَى بِوَصِيَّةٍ ثُمَّ قَتَلَ نَفْسَهُ مِنْ سَاعَتِهِ تَنَفَّذَ وَصِيَّتَهُ قَالَ فَقَالَ إِنْ كَانَ أَوْصَى قَبْلَ أَنْ يُحَدِّثَ حَدَّثًا فِي نَفْسِهِ مِنْ جِرَاحَةٍ أَوْ قَتَلَ أُجِيزَتْ وَصِيَّتُهُ فِي ثَلَاثِهِ وَإِنْ كَانَ أَوْصَى بِوَصِيَّةٍ بَعْدَ مَا أُحْدِثَ فِي نَفْسِهِ مِنْ جِرَاحَةٍ أَوْ قَتَلَ لَعَلَّهُ يَمُوتُ لَمْ تُجَزَّ وَصِيَّتُهُ» (محمد بن حسن طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص

۲۰۷) هرکس عمداً خودکشی کند، برای همیشه در آتش دوزخ خواهد بود. گفته شد: بفرمایید که اگر وصیتی کند و بلافاصله خودکشی کند آیا وصیتش صحیح است؟ امام علیه السلام فرمود: اگر پیش از آن که آسیبی - همانند جراحت یا کار دیگری (قتل) - به خود برساند (که شاید کشنده باشد) وصیت کند، وصیت وی در ثلث مؤثر است ولی پس از آسیب رساندن به خود - همانند جراحت یا کاری (قتل) که شاید کشنده باشد - وصیت وی صحیح نیست.

شیخ طوسی (ره) در کتاب النهایه می‌نویسد: «و إذا أوصی بوصیة، ثم قتل نفسه، کانت وصیته ماضیة، لم یکن لأحد ردّها. فإن جرح نفسه بما فیه هلاکها، ثم وصی، کانت وصیته مردودة، لا یجوز العمل علیها» (محمد بن حسن طوسی، ۱۴۰۰، ص، ۶۱۰) کسی که وصیت کرد و پس از آن خودکشی نمود، وصیت او اعتبار دارد؛ و هیچ‌کس حقّ ردّ آن را ندارد، ولی کسی که به خود به‌منظور خودکشی ضربتی بزند و در آستانه مرگ قرار بگیرد و در آن صورت وصیتی نماید این وصیت (پس از عمل خودکشی) مردود است. علامه حلی نیز در تذکره الفقهاء در خصوص رد شدن وصیت کسی که اقدام به خودکشی می‌کند می‌نویسد: «إذا أوصی بوصیة ثم قتل نفسه کانت وصیته ماضیة، لم یکن لأحد ردّها و فان جرح نفسه بما فیه هلاکها علی غالب العادات، ثم وصی، کانت وصیته مردودة» (عبدالعزیز طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۰۷؛ محمد ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۹۷) کسی که وصیت کرد و پس از آن خودکشی نمود، وصیت او اعتبار دارد، (چراکه مقتضی موجود است که عبارت است از صدور وصیت از سوی فرد عاقل و رشید)، ولی کسی که به خود به‌منظور خودکشی ضربتی بزند و در آستانه مرگ قرار بگیرد و در آن صورت وصیتی نماید این وصیت مردود است. قانون‌گذار هم به پیروی از فقه امامیه در ماده ۸۳۶ قانون مدنی می‌آورد: «هرگاه کسی به‌قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید، آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به موت نشد وصیت نافذ خواهد بود».

نتیجه‌گیری

در موضوع آسیب اجتماعی خودکشی که به‌عنوان یک آسیب اجتماعی مهم در حال گسترش بین مردم و به‌ویژه نسل جوان است؛ و نیز توجه به این امر که خودکشی معلول عواملی چون مسائل و مشکلات خانوادگی، فقر، مشکلات عاطفی و دلایل متعدد دیگری است که می‌توان با ارائه راهکارهایی در جهت حل این مشکلات، جلوی این آسیب اجتماعی را نیز گرفت. اختلافات خانوادگی با سهمی برابر ۵۴/ ۲۹ درصد، بیشترین انگیزه را در بین اقدام کنندگان به خودکشی به خود اختصاص داده است. باید حکم فقهی خودکشی را میان مردم به‌ویژه نسل جوان همواره بازگو کنیم و به آنان تفهیم کنیم که خودکشی یکی از گناهان کبیره‌ای است که سقوط همیشگی در جهنم را باعث می‌شود. همچنین باید ارزش انسان را برای نسل جوان تبیین نماییم تا دانسته شود که انسان مصنوع خدای حکیم است، نه مملوک خویش؛ بنابراین آدمی مالک خود نیست که بتواند هرگونه که می‌خواهد نسبت بدن رفتار کند. اگر به این اصل ایمان و اعتقادی ایمان داشته باشیم که «هیچ‌کس فطرتاً و ذاتاً منحرف نمی‌شود» و اگر به تمام واقعیت‌های علمی در خصوص انحراف‌های اجتماعی معترفیم، پس در کمال انصاف و عدالت و با در نظر گرفتن اصول و ارزش‌های حاکم بر روح جامعه و باهدف مبارزه بنیادی و ثمربخش با انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی برای سالم‌سازی جامعه، باید به عوامل اساسی گرایش به انحرافات اجتماعی نگاهی علمی همراه با عمل داشته باشیم. سرانجام باید تلاش کنیم تا روحیه توکل، امید، صبر و توجه به خدا را در جامعه تقویت نماییم و درواقع ایمان مردم را بالا ببریم.



پیشنهادات:

- ۱- ایجاد اعتقادات ریشه‌دار مذهبی و دینی در بین خانواده‌ها و جوانان از طریق کسانی که در بین جوانان از محبوبیت خاصی برخوردارند، مثل هنرمندان؛
- ۲- اشاعه فرهنگ مشاوره در بین افراد جامعه و خانواده‌ها از طریق رسانه‌های جمعی و بروشورهای تبلیغاتی؛
- ۳- انعکاس تحلیلی وقایع با برنامه‌ریزی مناسب و جهت‌دار؛
- ۴- پر کردن اوقات فراغت عمومی برای کاهش فرصت و مدت اندیشناکی در آنان؛
- ۵- آگاهی دادن به خانواده‌ها برای آشنایی بیشتر آن‌ها با نقش‌ها و کارکردهای خانواده متعادل و سالم در جامعه و ارجاع موارد حاد به کلینیک‌های روان‌پزشکی و روان‌درمانی که به‌صورت جدی درصد و رفع مشکلات خانواده‌ها در سطحی گسترده باشند؛
- ۶- افزایش باورهای مردم در جهت فراهم نمودن تسهیلات بیشتر برای تحصیل به‌ویژه در سطوح دانشگاهی؛
- ۷- جلوگیری از ازدواج‌های تحمیلی و ناخواسته جلوگیری از ازدواج زوجین با اختلاف سنی زیاد؛
- ۸- در نظر گرفتن نیازهای روحی و جسمی جوانان در مراحل رشد و متناسب با آن در نظر گرفتن ساعات تفریح و استراحت و فعالیت‌های جمعی و سازنده؛
- ۹- آموزش بهداشت روانی به مردم با شناسایی افراد در معرض خطر؛
- ۱۰- بازپروری و توان‌بخشی به کلیه کسانی که اقدام به خودکشی نموده و نجات یافته‌اند؛
- ۱۱- کاهش انزوای اجتماعی افراد در معرض خطر؛
- ۱۲- زمینه‌سازی واقعی میدان فعالیت زنان و دختران؛
- ۱۳- ایجاد فرصت‌های شغلی؛
- ۱۴- ایجاد مراکز مشاوره اجتماعی و خانوادگی تخصصی؛
- ۱۵- شناسایی میزان و محل آسیب‌پذیری خانواده‌ها با توزیع فرمهای پوشش دارو جهت‌داری در مقاطع راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم (۱۳۷۸)؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی: قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۲. اسلامی نسب، علی (۱۳۷۱)؛ بحران خودکشی، تهران: نشر فردوس.
۳. ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۱)؛ کتاب المکاسب، ج ۱، چاپ اول، قم: انتشارات دار الذخائر.
۵. تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)؛ «بررسی عوامل مؤثر در خودکشی، در استان آذربایجان شرقی»، آسیب‌های اجتماعی ایران، مجموعه مقالات انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.



۵. جمعی از مؤلفان (بی تا)؛ مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۴۳، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۶. حسینی، سید رضا (۱۳۸۱)؛ «بررسی آمار جرائم در ایران ۱۳۸۰ - ۱۳۷۶»، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، ج ۱، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۷. حلی، علامه، حسن بن یوسف (۱۴۱۴)؛ تذکره الفقهاء، ج ۹، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. _____ (۱۴۱۰)؛ ارشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان. ج ۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۰)؛ فرهنگ دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. دورکیم، امیل (۱۳۷۸)؛ خودکشی، مترجم نادر سالار زاده امیری: تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۱)؛ «بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲: ۱۲۰-۱۳۴.
۱۲. شمس خرم‌آبادی، منوچهر (۱۳۸۳)؛ «بررسی علل اقدام به خودکشی در عشایر شهر خرم‌آباد»، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد چهارم، تهران: آگاه.
۱۳. شیرازی، ناصر مکارم (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه. ج ۳، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶)؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۱۵. _____ (۱۴۱۳)؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طرابلسی، ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ ه ق)؛ المهذب، ج ۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷)؛ المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۷، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۸. _____ (۱۴۰۰)؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. _____ (۱۴۰۷)؛ تهذیب الأحکام، ج ۹، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، - ایران،
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، محقق محمدجواد بلاغی: ج ۳، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. عاملی، حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹)؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴ و ۲۹، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۲. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳)؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۵، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۴)؛ تفسیر نور، ج ۲ و ۷، چاپ یازدهم تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.



۲۴. قربانی، سهیلا (۱۳۸۳)؛ «بررسی علل خودکشی در شهر کرمانشاه سال‌های ۷۷ و ۷۸»، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد چهارم، تهران: آگاه.
۲۵. کاظمی، فاضل، جواد بن سعد (بی‌تا)؛ مسالک الافهام الی آیات الاحکام، ج ۳. بی‌جا: بی‌نا.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق)؛ الکافی، ج ۲ و ۶، علی‌اکبر غفاری: چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. محمد پور، احمد (۱۳۸۳)؛ «خودکشی پدیده‌ای اجتماعی و چندبعدی»، در: خودکشی، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد چهارم، تهران: آگاه.
۲۸. محمدی، محمدعلی (۱۳۹۰)؛ «خودکشی، گزارش وضعیت اجتماعی ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۰»، مؤسسه رحمان، ۳۲۷-۳۵۳.
۲۹. محسنی تبریزی، منوچهر (۱۳۶۶)؛ انحراف اجتماعی، انگیزه و علل خودکشی، تهران: نشر مروی.
۳۰. _____ (۱۳۸۳)؛ «خودکشی مسئله قرن ما»، مجله مهر خانواده، شماره ۱، ۵-۲۹.
۳۱. مفید بغدادی، محمد بن محمد (۱۴۱۳)؛ المقنعه، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه‌الله علیه.
۳۲. موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷۴)؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
۳۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳ و ۴۲، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

Archive of SID